

خواندنی صفحه ۷۹ به فیلم توضیحات مراجعه شود.

جستنی صفحه ۸۰

۱. ای دریغ از من که ویران بینمت / بیشه را خالی ز شیران بینمت (ضمیر جهش یافته) برای من مایه ی افسوس و تأسف بی اندازه است که تو را ویران و بیشه را از شیران تو خالی ببینم.
۲. بیت چهارم: آرشی داری به تیر انداختن / دست بهرامی به شیر انداختن (تیر و شیر جناس دارند).  
بیت هفتم: مرزداران دلبرت جان به کف / سرفرازان سپاهت صف به صف (کف و صف جناس دارند).  
بیت دوازدهم: خاک تو گر نیست، جان من مباد! / زنده در این بوم و بر یک تن مباد! (من و تن جناس دارند).

اندیشیدنی صفحه ۸۰

۱. مرزداران دلیر و جان بر کف و سرفرازان سپاهی و صف به صف تو، دشت و نهر را به رنج و سختی انداختند تا خرّمشهر را آزاد کردند.
۲. الف) در هر دو، وطن به مادر تشبیه شده است. ب) در هر دو، ویران شدن ایران، مایه ی تأسف و ناراحتی معرفی شده است. پ) در هر دو، بیان شده است که هر ایرانی با غیرتی حاضر است برای نجات میهن، جان خود را فدا کند.

دانستنی صفحه ۸۱ به فیلم توضیحات مراجعه شود.

جستنی صفحه ۸۲

۱. تا نشود راز چو روز آشکار / تا نشویم از پدرش شرمسار  
«راز» و «روز» جناس دارند و همچنین «راز» به «روز» تشبیه شده است.  
مشبه: راز      مشبه به: روز      ادات تشبیه: چو      وجه شبه: آشکار شدن

۲. **نهاد** - **نهاد** در بیت دوم از شعر دوراندهشی: پای چو در راه **نهاد** آن پسر / ...

**نهان** - **نهان** در بیت هشتم از شعر دوراندهشی: ... / صورت این حال نمائد **نهان**

**فتادن** - **فتادن**

**زمین** - **زمین**

نوشتنی صفحه ۸۲

پایش در آمد ز دست: اختیار و کنترل خود را از دست داد.

اندیشیدنی صفحه ۸۳

دشمن دانا که **پی** جان بود / بهتر از آن دوست که نادان بود

اگر در این بیت به جای واژه ی «**غم**» واژه ی «**پی**» پذیرفته شود؛ معنا این چنین خواهد شد: «دشمن دانایی که به دنبال آسیب زدن به جان باشد؛ از آن دوست نادان، بهتر است». با توجه به این معنی به نظر می رسد که «دشمن دانا که **غم** جان بود» بهتر و رساتر باشد.

دانستنی صفحه ۸۳ به فیلم توضیحات مراجعه شود.

نوشتنی صفحه ۸۷

فهمیدن: مصدر

فهمیدم: فعل ماضی

می فهمم: فعل مضارع

فهمیده: صفت مفعولی

فهمیه: اسم

فهم